

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

## خلوتگاهِ راز

بیاورخ بنما ، دلبرانِ شیدارا

شرابِ وصل چشان ، عاشقانِ رسوا را

عَطَشِ فرو بِنِشان ، بارحیقِ مختومت

به کامِ تشنه چشان ، قطره های احلا را

فگن به دور ، حجابی ز سِرِّ مکنونت

به فضلِ خویش نما حلّ این معمارا

به بحرِ وصلِ تو ، بی ناخداست زورقِ دل

به هر طرف که کشانی ، امیدِ تنها را

در انتظارِ تو ام ، آنچنان که میریزی

به مجمرِ دلِ مجنون ، سپندِ لیلا را

درونِ سینه دلم در فغان و فریاد است

که تَنَدِبَادِ حوادث ، کجا برد ما را

به ساحلی که محبت فگنده لنگرِ هجر

به نقدِ جان نخرد هر کسی چلیپا را  
به دامِ رنگ و هوس ، گر کسی گرفتار است  
به پَرّ کاهِی دهد ، زیورِ مُطلا را  
هر آنکه از حرمِ عشق ، عاشقی آموخت  
به رنگ و بو ندهد ، نمله های ادنا را  
مقامِ فقر ، میسر نمی شود به کسی  
مگر که طی بکنند ، وادی های معنا را  
به کعبه و به کلیسا و مسجد و به کنشت  
نه ذوق و شوق بود عارفانِ یکتا را  
به بارگاهِ حضورش ، خمار و مست و خراب  
به عالمی ندهد ، خلوتِ دلآرا را  
به جست و جوی جمالش کجا روی « نعمت »  
جلا و صیقلی ، آئینه های دلها را